

Reflection of Europe developments in the Qajar era in the two
travelogues of Tohfat al-Alam and Mer'at al-ahwal Jahan-Nama

reza derikvandy¹ / Asma Baluchzahi²

Received: 2021/04/15 | Accepted: 2021/06/25

(DOI): 10.22034/SKH.2021.10795.1203

Original Article

P 55 - 75

Abstract

In the early Qajar period, a number of prominent religious figures for different motives traveled to India, which was then under British colonial rule. With the presence of the colonizers, the prevalence in manifestations of modern Western civilization in India had made this country one of the important gateways for Iranians to get acquainted with the new Europe. Mir Abdul Latif Shoushtari and Agha Ahmad Behbahani were two clerics who, through their presence in India and their contact with the British, wrote down their seen and heard in the form of two travelogues called Tohfat al-Alam and Mer'at al-ahwal Jahan-Nama have also taken a stand on these developments. The present study using the method of content analysis, tries to investigate how the new aspects of Western civilization and the opinions of the authors of these two travelogues about the mentioned developments are reflected in the books "Tohfat" and "Mer'at". The findings show that Shoushtari and Behbahani have provided valuable information about scientific developments and political and social developments in European countries and have praised these developments in various cases. Meantime, Behbahani has tried in various ways to persuade the Qajar rulers to take on the positive aspects of Western civilization.

Keywords: Shushtari, Indian colonization, England, scientific developments, Behbahani.

¹ - PhD student in History of Islamic Iran from Shiraz University, derikvandyreza@gmail.com

² PhD Student in Iranian History, Islamic Studies, Ferdowsi University, Mashhad,
asmabaluchzahi@gmail.com



بازتاب تحولات اروپای عصر قاجار در دو سفرنامه تحفه العالم و مرآت الاحوال جهان نما

رضا دریکوندی^۱ | اسما بلوچ زهی^۲ (نویسنده مسؤل)

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2021.10795.1203

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۱/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۴/۰۹

نوع مقاله: پژوهشی

ص ۷۵/۵۵

چکیده

در اوایل حکومت قاجار تنی چند از شخصیت‌های برجسته مذهبی، بنا به انگیزه‌های متفاوتی به سرزمین هند که در آن زمان تحت سلطه استعماری بریتانیا بود، سفر کردند. با حضور استعمارگران رواج بسیاری از مظاهر تمدن نوین غرب در هند، این کشور را به یکی از دروازه‌های مهم آشنایی ایرانیان با اروپای جدید، بدل کرده بود. میرعبداللطیف شوشتری و آقا احمد بهبهانی، دو عالم روحانی بودند که به واسطه حضور در هند و ارتباط با انگلیسی‌ها، ضمن مکتوب نمودن دیده‌ها و شنیده‌های خود در قالب دو سفرنامه موسوم به تحفه العالم و مرآت الاحوال جهان نما، در مورد این تحولات نیز موضع‌گیری کرده‌اند. پژوهش حاضر تلاش دارد با استفاده از روش تحلیل محتوا، چگونگی بازتاب جنبه‌های جدید تمدن غرب در کتاب تحفه و مرآت و آرای نگارندگان این دو سیاحت‌نامه درباره تحولات مذکور را بررسی کند. یافته‌ها نشان می‌دهد شوشتری و بهبهانی آگاهی‌های ارزشمندی درباره پیشرفت‌های علمی و تحولات سیاسی و اجتماعی کشورهای اروپایی ارائه داده‌اند و در موارد مختلفی به ستایش این پیشرفت‌ها نیز پرداخته‌اند. در این میان بهبهانی به اشکال مختلفی تلاش داشته زمامداران قاجار را به اخذ جنبه‌های مثبت تمدن غرب ترغیب نماید.

واژه‌های کلیدی: شوشتری، استعمار هند، انگلستان، پیشرفت‌های علمی، بهبهانی.

۱ - دانش آموخته مقطع دکتری تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه شیراز، derikvandyreza@gmail.com

۳ - دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد، asmabaluchzahi@gmail.com



۱. مقدمه

ایرانیان مهاجر به هندوستان در دوره قاجار را می‌توان به سه گروه دسته‌بندی کرد: ۱. افراد وابسته به خاندان‌های روحانی ۲. کسانی که بر اثر حملات عثمانی یا ویرانی عتبات عالیات توسط وهابیان از غرب کشور به هند گریختند ۳. افرادی که در پی نابسامانی‌های ایران، موقعیت سیاسی و اجتماعی خود را از دست داده و دچار صدماتی شده بودند. (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۰۶) برخی از این مهاجران در دوره اقامت در هند، به نوشتن سفرنامه‌هایی در شرح دیده‌ها و شنیده‌های خود اقدام نمودند. عامل مهمی که در نگارش این سفرنامه‌ها اثر گذاشت، شرایط آن روز جامعه ایران بود. دوره زمامداری فتحعلی‌شاه، (حک: ۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ق) زمانی بود که جامعه سنتی ایران به ضرورت اخذ دستاوردهای علمی اروپاییان آگاه شده بود. بنابراین جای شگفتی نیست که این اندیشمندان بخش وسیعی از مباحث خود را به شرح دستاوردهای علمی اروپاییان و ستایش علم-باوری آنان اختصاص دهند. (سالور، ۱۳۹۳: ۱۶۸ - ۱۶۹)

حضور برخی دول اروپایی در شبه قاره هند، به مهاجران ایرانی فرصت داد تا پیشرفت‌های اروپا را از نزدیک مشاهده کنند، به چند و چون آن آگاه گردند و هموطنان خود را با عناصر تمدنی نوظهور اروپا و سود و زیان‌های ناشی از مرادده با آنها آشنا سازند. (سپهری، ۱۳۸۷: ۳۳۰ - ۳۳۱) این سفرنامه‌ها دارای کارکردهای متنوعی از جمله: ۱. وارد کردن افکار تازه به جامعه سنتی ایران و ترویج آنها میان طبقات مختلف مردم، ۲. شکل‌دهی آشنایی ایرانیان با فرهنگ غرب بر اساس این گزارش‌ها و ۳. ستایشگری نسبت به فرهنگ غرب و سرزنش و تحقیر فرهنگ ایران بودند. (صوفی‌نیارکی نجفی، ۱۳۸۳: ۶۵ - ۷۲) در این میان دو سفرنامه تحفه‌العالم اثر شوشتری و مرآت‌الاحوال جهان‌نما نوشته بهبهانی از اهمیت فراوانی برخوردارند. نویسندگان این آثار علاوه بر اینکه آگاهی‌های ارزشمندی درباره جنبه‌های مختلف تمدن غرب در اختیار خوانندگان خود گذاشته‌اند، به ارائه دیدگاه‌های خود درباره مشاهداتشان نیز اقدام نموده‌اند. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤالات است که مظاهر تمدن نوین غرب تا چه اندازه در آثار بهبهانی و شوشتری انعکاس یافته است؟ این عالمان دینی چه موضعی در برابر دستاوردهای اروپاییان اتخاذ کرده‌اند؟ حجم زیادی از سفرنامه این دو عالم روحانی به انعکاس تحولات کشورهای اروپایی از دیدگاه انگلیسی‌های مستقر در این کشور اختصاص یافته است. نگارندگان این آثار در اکثر موارد نگاه مثبتی درباره تحولات سازنده تمدن غرب داشته‌اند؛ با این حال نسبت به جنبه‌های منفی این تمدن نگاهی منفی داشته‌اند. عبدالهادی حائری در کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، به برخی دیدگاه‌های شوشتری و بهبهانی درباره رویه

بورژوازی تمدن غرب اشاره کرده است. امید سپهری در مقاله «رویکردی تطبیقی - تقابلی به دو سفرنامه مرآت‌الاحوال کرمانشاهی و تحفه‌العالم شوشتری»، با مقایسه فصل به فصل محتویات مرآت و تحفه، همسانی‌های ساختاری این سفرنامه‌ها را مشخص کرده است. در مقاله «تعاملات میرعبداللطیف شوشتری با حکومت انگلیسی هندوستان (بحثی در نخستین رویارویی‌های ایرانیان با غرب استعمارگر)»، (مسعود مرادی)، نیز صرفاً جایگاه تعاملات شوشتری با انگلیسی‌ها بر قضاوت‌های وی درباره آنها مد نظر بوده است. رسول جعفریان در مقاله‌ای تحت عنوان «درباره مرآت‌الاحوال» تنها به نقد و معرفی این کتاب پرداخته است. همچنین مسئله اصلی سیما سالور در پژوهشی با عنوان «نقش اندیشه‌گران ایرانی هند در سیر اندیشه تجدد در ایران روزگار قاجار»، بررسی جایگاه آثار سه تن از سفرنامه‌نویسان ایرانی مقیم هند - شوشتری، سلطان‌الواعظین و کرمانشاهی - در رواج اندیشه تجددگرایی در دوره قاجار بوده است. با این حال به بیان دیدگاه‌های این افراد درباره تجددگرایی نیز پرداخته است. پژوهش حاضر در مقایسه با تحقیقات پیشین از دو جهت دارای نوآوری است. نخست اینکه تلاش کرده چگونگی و میزان بازتاب تحولات اروپای مدرن را از دروازه هند در آثار شوشتری و بهبهانی تبیین کند. ثانیاً سعی بر آن بوده به بیان برخی دیدگاه‌های نگارندگان این آثار درباره تمدن جدید غرب بپردازد. مقایسه میزان و چگونگی بازتاب این تحولات در آثار مذکور و دیدگاه‌های نگارندگان آنها با یکدیگر سومین دلیلی است که نوآورانه بودن پژوهش حاضر را یادآور می‌شود.

۲. آشنایی با شوشتری و بهبهانی و آثارشان

میرعبداللطیف شوشتری در سال ۱۱۷۲ ق در شوشتر متولد شد. وی پس از فراگیری علوم رایج، مدتی را به سیاحت در برخی نواحی ایران و زیارت عتبات گذراند. سپس در سال ۱۲۰۳ ق به هند رفت. (میرزا ابوطالب‌خان، ۱۳۷۳: ۴۵۲ - ۴۵۳؛ شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۶۳) شوشتری تا هنگام مرگ در سال ۱۲۲۰ ق به مدت ۱۷ سال در این سرزمین اقامت داشت. در این دوره طولانی از مناطق مختلفی همچون دکن، کلکته و مرشدآباد را دید و از این تجربیات برای نگارش تحفه استفاده کرد. هرچند شوشتری دلیل مهاجرت به هند را علاقه خویش ذکر می‌کند، (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۳ و ۲۳۴) اما مؤلف کتاب مسیر طالبی به فعالیت‌های اقتصادی شوشتری در هند و ارتباط وی با تجار بصره اشاره دارد. (میرزا ابوطالب‌خان، ۱۳۷۳: ۴۵۳) شوشتری نگارش کتاب خویش را از ورود به هند شروع کرد و در سال ۱۲۱۶ ق به پایان برد. در سال ۱۲۱۹ ق نیز ذیل ناتمامی بر

آن افزود. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۷ - ۱۸ و ۳۱) شوشتری با ذکر عباراتی همچون: «همه این حالات را به رأی العین دیدم» و «از جماعت انگلیسیه به تواتر اوضاع آن مملکت شنیدم»، (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۴۷ و ۴۳۵) تلاش کرده تا اعتبار کتاب خود را یادآور شود. با توجه به این اظهارات، مشخص است که وی داده‌های خود را از دو طریق گردآوری کرده است. نخست مشاهدات عینی که نتیجه اقامت وی در هند و ارتباط با انگلیسی‌ها بود و دوم روایانی که اطلاعاتی را از وضعیت کشورهای اروپایی در اختیار وی قرار داده‌اند. هرچند شوشتری هدف از نگارش تحفه را ثبت تاریخ گذشتگان خود و زادگاهش عنوان کرده، (شوشتری، ۱۳۶۳: ۳۱) اما این کتاب علاوه بر ذکر شمه‌ای از محاسن خاندان شوشتری، موضوعات دیگری همچون جغرافیای تاریخی برخی شهرهای ایران، توصیف نواحی مهم هندوستان و آداب و رسوم ساکنان این سرزمین، تشریح سیاست استعماری انگلیسی‌ها، ملکداری اروپاییان و ارائه اطلاعاتی درباره تمدن غرب و مؤلفه‌های آن را نیز پوشش می‌دهد. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۸ - ۱۹) اگرچه کتاب تحفه در نوع خود ارزش فراوانی دارد، ولی دارای نواقصی همچون جانبداری نگارنده از انگلیسی‌ها و قاجارها، (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۶۷ و ۲۳۲) و ذکر قسمتی از کتاب تذکره شوشتر اثر عمویس سید عبدالله، (متوفی به سال ۱۱۷۳ ق) بدون درج مأخذ (کسروی، ۱۳۵۶: ۵۷ - ۵۸)، روایت اخبار مربوط به اروپا از واسطه‌ها، عدم انعکاس چهره استعماری غرب و عدم توجه به مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی اروپاییان است. (صوفی‌نیارکی، ۱۳۸۳: ۶۷ - ۶۸؛ خلیلی، ۱۳۷۹: ۱۵)

آقا احمد بهبهانی در سال ۱۱۹۱ ق در کرمانشاه متولد شد. علوم مقدماتی را در زادگاهش فرا گرفت؛ سپس در سال ۱۲۱۰ ق به عتبات رفت و در خدمت فقهای بزرگی همچون علامه بحرالعلوم (متوفی به سال ۱۲۱۲ ق) و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء (متوفی به سال ۱۲۲۸ ق) در زمینه فقه و اصول معلومات خود را تکمیل کرد. وی بعد از پنج سال به کرمانشاه بازگشت و به سیاحت در عراق، قم، غرب ایران و مشهد پرداخت. وی در سال ۱۲۲۰ ق راهی هند شد و تا سال ۱۲۲۵ ق به سیر و سفر، تدریس، تألیف و تبلیغ پرداخت. بهبهانی در سال ۱۲۳۵ ق در سن ۴۵ سالگی در کرمانشاه درگذشت. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۶ و ۲۰) وی در مدت اقامت خود در هندوستان به نگارش کتابی تحت عنوان مرآت‌الاحوال جهان‌نما اقدام کرد. مرآت حلقه‌ای از حلقات سفرنامه‌نویسی فارسی در قرن سیزدهم هجری و از منابع ارزشمند برای شناخت تاریخ

^۱ برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره ر. ک: مرادی، مسعود. «تعاملات میر عبداللطیف شوشتری با حکومت انگلیسی هندوستان (بجئی در نخستین رویاروییهای ایرانیان با غرب استعمارگر)»، پژوهش‌های تاریخی، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹، صص ۱۰۹ - ۱۱۰.

اجتماعی ایران در این قرن محسوب می‌شود. (جعفریان، ۱۳۷۳: ۳۷) اهمیت این کتاب بدین دلیل است که نکات مهمی را درباره مردان و زنان نامی خاندان مجلسی (ره) که نیای اعلای مادری مؤلف بوده و افراد مشهور خاندان جدش وحید بهبهانی به دست می‌دهد. همچنین شرح بسیار جالبی از مشاهدات خود در هند و نقش کمپانی هند شرقی در این کشور و نحوه تسخیر آن می‌نگارد. نگارنده مرآت اوضاع و احوال مردم هند را چنان می‌نگارد که بدان‌گونه در جای دیگری دیده نشده است. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۶) بهبهانی هدف خود از سفر به هند را کمک گرفتن از میرعالم بهادر، پسر عموی میرعبداللطیف، برای بازسازی قلعه‌های کربلا و نجف اعلام می‌کند که در جریان حمله وهابی‌ها به این دو شهر ویران شده بودند. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۶ و ۲۳۲) وی هدف از نگارش مرآت را علاقه محمدعلی میرزا دولتشاه^۱ (متوفی به سال ۱۲۳۷ ق) به شنیدن اخبار کشورهای دیگر ذکر می‌کند. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۶۵) بهبهانی با بیان عباراتی همچون «از معتمدین شنیده‌ام»، به درستی مطالب کتاب خود اشاره دارد. البته برخی مطالب مرآت عیناً بازنویسی تحفه شوشتری است. به نظر می‌رسد در صورتی که مآخذ آنها مشترک نبوده باشد، با توجه به هم‌نشینی‌های آنان (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۴۵ - ۲۴۷) و تقدم تألیف کتاب تحفه بر مرآت، بهبهانی برخی از مطالب کتاب خویش را از روی تحفه بازنویسی کرده است. بهبهانی در دوره اقامت در هند به شهرهای مختلفی همچون دکن، کلکته و مرشدآباد سفر کرد. تحفه و مرآت دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی هستند. از جمله نقاط اشتراک این دو سفرنامه، اهتمام نگارندگان آنها به شرح حال خاندان خود، پرداختن به آداب و رسوم هندوها و ارائه اطلاعاتی درباره جنبه‌های مختلف تمدن غرب است. پرداختن مفصل شوشتری به تاریخ زادگاهش، شوشتر و نوشتن ذیلی بر کتاب تحفه، و اضافه شدن فصلی به نام «نصایح» در پایان کتاب مرآت از جمله تفاوت‌های این دو سفرنامه هستند.

۳. گزارش‌های شوشتری درباره دستاوردهای نوین تمدن غرب

شوشتری بخش مهمی از مطالب کتاب خود را به ذکر پیشرفت‌های علمی و فنی کشورهای اروپایی با محوریت انگلستان و تا حدودی فرانسه اختصاص داده است. در واقع رابطه دوستانه

^۱ بزرگترین فرزند فتحعلی‌شاه قاجار، از مادری گرجی بود. وی از طرف پدرش بر مناطقی همچون فارس، لرستان و کرمانشاه حکومت داشت.

شوشتی با انگلیسی‌ها که بر دیدگاه‌های وی درباره مسائل مختلف اثر گذاشته، بر کسی پوشیده نیست. تحولات تقریباً در بیشتر کشورهای اروپایی در حال رخ دادن بود. در واقع در آن روزگار بیشتر سه کشور غربی روسیه، فرانسه و انگلیس با ایران در پیوند بودند. (حائری، ۱۳۷۲: ۲۷۲) یکی از مهم‌ترین مباحثی که مورد توجه شوشتی قرار گرفته، هم‌نویسی با نظریات جدیدی است که فرضیات علمی گذشته را باطل می‌کرد. از جمله وی به کشف علت وقوع پدیده جزر و مد و ساختار منظومه شمسی پرداخته و عقاید حکمای یونان در این باره را منسوخ می‌داند. (شوشتی، ۱۳۶۳: ۳۶ - ۳۹ و ۳۰۲)

شوشتی به درگیری‌های فکری میان حکما و دانشمندان با دستگاه کلیسا و حمایت پادشاهان از حکما اشاره می‌کند که موجب رونق کار دانشمندان و دلیل شدن کشیشان شد. (شوشتی، ۱۳۶۳: ۲۵۳ - ۲۵۴) شوشتی ضمن برشمردن برخی اختراعات اروپاییان، به تأثیر این کشفیات در زندگی آنان نیز پرداخته است. وی به درستی معتقد است که کشف قطب‌نما نه تنها مشکلات مسیریابی سفرهای دریایی را پایان داد، بلکه موجب شد اروپاییان توانستند بر سرزمین‌های ناشناخته دنیا مسلط شده و از ثروت‌های بکر آنها بهره‌مند شوند. نحوه تشکیل ابرها و بارش باران و ساخت دستگاه تقطیر آب و مزایای آن نیز مورد توجه شوشتی قرار داشته است. (شوشتی، ۱۳۶۳: ۲۴۱ - ۲۴۲ و ۲۴۶)

شوشتی گزارش کاملی از شهرسازی نوین اروپاییان و مؤسسات جدید شهری به دست می‌دهد. وی هنگام توصیف شهر لندن از نظم و انضباط در ساختن ساختمان‌ها، لوله‌کشی جداگانه مخصوص آب آشامیدنی و فاضلاب، ساخت و توسعه مسیرهای داخل شهری برای عبور و مرور، نظافت شهری، ساخت پل بر روی رودخانه‌ها، خیابان‌بندی و برق‌کشی ساختمان‌ها و مراکز خدماتی و آموزشی همچون بیمارستان‌ها، مدارس و غیره اشاره می‌کند. از جمله درباره مزایای خیابان‌بندی شهرهای اروپایی می‌گوید:

شهر را به محلات تقسیم کرده‌اند و خانه‌های هر محله را نوشته‌اند و هر کسی بر در سرای خود بالای دروازه قطعه سنگی نصب و بر آن نام خود و آن محل و کاری یا منصبی که دارد و عدد آن را که خانه چندم است از آن محله را با عددی که دارند نوشته‌اند تا اگر کسی نابلد و بیگانه به شهر درآید بر بصیرت باشد. (شوشتی، ۱۳۶۳: ۲۶۱ - ۲۶۲)

ساخت فروشگاه‌های بزرگ و مدرن که به مشتری حق انتخاب زیادی می‌داد و اجناس فراوانی از سراسر عالم در آنها موجود بود، رستوران‌های بزرگی که انواع غذاها در درون آنها طبخ می‌شد،

(شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۹۳ و ۲۹۶) وسایل حمل و نقل برای جابجایی مسافران و پایه‌گذاری ثبت احوال نوین از دیگر مقوله‌های مورد توجه شوشتری بوده است. وی درباره کاربردهای ثبت احوال می‌گوید:

در هر محله‌ای از محلات و قریه‌ای از دیهات نویسنده معین است که ولادت و کدخدائی [ازدواج] و وفات مردم آن محله را بر قید تاریخ ضبط کند تا بر پادشاه و صاحب ملک و اعظام هر وقت بخواهند معلوم شود که در قلمرو چقدر مرد و زن موجود است و هر کدام به چه سن‌اند و اگر وبایی یا آفتی افتد و مردم تلف شوند بدانند چقدر آدم مرده است. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۸۳ - ۲۸۴)

تأسیس سازمان‌های حمایتی همچون بیمه که علاوه بر تضمین اموال بازرگانان و مردمی که دارایی خود را بیمه می‌کردند، یک اشتغال‌زایی نیز محسوب می‌شد، (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۸۹ - ۲۹۰) سرمایه‌گذاری اشتراکی که موجب شکل‌گیری شرکت‌های سهامی عام می‌شد و افراد با دادن مبلغی در حد توانایی مالی خود و دریافت سود آن مطابق با رسید دریافتی و قوانین کاری فرنگیان که مبتنی بر امنیت شغلی، تنبیه و تشویق عادلانه و پرداخت منصفانه دستمزد بوده، از دیگر محسنات تمدن غرب به شمار می‌آمده که مورد توجه شوشتری قرار گرفته است. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۸۷ و ۲۸۸) تخصصی شدن کارها و حمایت دولت‌های اروپایی از دانشمندان، که موجب می‌شد افراد در حرفه خود به مهارت بالایی برسند و اشتیاق وافر برای انجام فعالیت‌های علمی پیدا کنند، به عنوان دلایل پیشرفت‌های علمی اروپاییان ذکر شده است. وی حمایت مالی از نیوتون را به عنوان نمونه ذکر کرده و در این باره می‌گوید: «از سرکار سلاطین فرنگ هر یک جداگانه موجب و سیورغال آن قدر بجهت او معین بود و آن مقدار او را تعظیم و توقیر می‌نمودند که شاهزادگان عظام و وزرای بااحترام حسد به حال او داشتند». (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۹۸ و ۳۰۳ - ۳۰۴) بخت‌آزمایی^۱ از جمله کارهایی است که هم جنبه سرگرمی و هم جنبه درآمدزایی داشته است. اخذ عادلانه عوارض گمرکی و مالیات‌ها نیز از دیگر محسنات دولت‌های اروپایی عنوان شده است. از اجناس به فراخور نوع آنها و تنها یک بار گمرک گرفته می‌شد و عمال مالیاتی نیز موظف به رعایت عدالت و خوش‌رفتاری با رعایا بودند. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۹۰ - ۲۹۳) چاپ نشریات که هفته‌ای یک بار انجام می‌گرفت و با پخش آن بین ولایات و بزرگان موجب اطلاع مردم از اوضاع کشور می‌شد، (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۶۲) کنار

^۱ Lottery .

اختراعات دیگر همچون دوربین، دماسنج، مسافت‌سنج و جرثقیل از جمله دیگر جنبه‌های نوین تمدن غرب است که مورد توجه شوستری است. شوستری با ذکر این جمله که «آنقدر از بدایع آلات و صنایع ادوات در کلیات و جزئیات دارند ... در این یکدم فرصت چقدر توان نوشت» (شوستری، ۱۳۶۳: ۳۰۰، ۳۰۹، ۳۱۲ و ۳۱۵)، به توصیفات خود از دستاوردهای تمدن جدید غرب پایان می‌دهد.

تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع اروپایی نیز توجه شوستری را به خود معطوف کرده بود. وی ضمن اشاره به دوران حکومت پاپ‌ها و سیطره سیاسی و مذهبی آنها در سراسر اروپا و نیز حکومت ملوک‌الطایفی اروپا و منازعاتی که بین آنها رخ داد، به تشکیل دولت‌های مستقل ملی بعد از این آشفتگی‌های سیاسی اشاره می‌کند. قراردادهای جدید میان کشورهای اروپایی که مبتنی بر حمایت دولت‌های جدید از دولت‌های ضعیف‌تر و روابط مسالمت‌آمیز بوده، نیز مورد توجه شوستری قرار گرفته است. (شوستری، ۱۳۶۳: ۲۴۸ و ۲۵۱ - ۲۵۲)

شوستری سپس به بررسی ساختار سیاسی جامعه انگلستان که مشروطه سلطنتی است، پرداخته است. وی در این باره می‌گوید: «ریاست و قوانین سلطنت را نیز به جایی رسانیده‌اند که یونانیان و حکمای اسلامی به تحسین و آفرین آنها همداستانند». (شوستری، ۱۳۶۳: ۲۴۲) شوستری می‌گوید که حکما به فکر انتظام سلطنت افتادند که در نتیجه آن پادشاه مسلوب‌الاختیار شد و برای وی مقرری تعیین گشت و با ایجاد مشورت‌خانه و انتخاب نمایندگان توسط مردم به مدت هفت سال نمایندگان پادشاه را در انتخاب راه درست و تصمیم‌گیری‌های مهم کمک می‌کردند. نحوه تعیین جانشین برای سلاطین که تنها به عضو ارشد خاندان سلطنتی تعلق می‌گرفت، از دیگر شیوه‌های مهم برای جلوگیری از هرج و مرج‌های سیاسی ناشی از تعیین مسائل جانشینی بود. (شوستری، ۱۳۶۳: ۲۷۶ - ۲۷۸) فراماسونری به عنوان یک محفل سیاسی از دیگر موضوعاتی است که مورد توجه شوستری قرار گرفته و او نیز به مانند سایر معاصرانش از درک این سازمان و اهدافش عاجز مانده است. به گونه‌ای که درباره شرایط عضویت در این سازمان می‌گوید: «منافاتی با هیچ مذهبی ندارد^۱ و هرکس به هر مذهبی که باشد و بخواهد داخل در این فرقه گردد باکی ندارد». (شوستری، ۱۳۶۳: ۲۵۸ - ۲۵۹) نظام قضایی انگلیسی‌ها که مبتنی بر ایجاد عدالت‌خانه در شهرهای بزرگ، گماشتن قضات امین، پرداخت حقوق کافی به آنها به منظور

^۱ در صورتی که شعار آزادی که توسط ماسون‌ها داده می‌شد، منظور آزادی از قیود مذهبی بود. (مرادی خلج، ۱۳۸۹: ۱۵)

جلوگیری از رشوه‌خواری، تنبیه قضات در صورت احراز تخلف و عدم پذیرش شفاعت کسی در باب مجرمان بود، مورد توجه شوشتری قرار گرفته است. میزان رضایت شوشتری از این نظام قضایی به حدی است که زنجیر عدل انوشیروان را در برابر آن شرمسار می‌داند. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۷۹ - ۲۸۳) چاپ روزنامه‌ها نه تنها یکی از مظاهر تمدن نوین غرب بود، بلکه به دلیل اعطای آزادی‌های سیاسی مورد توجه شوشتری قرار گرفته است. وی درباره شرایط چاپ روزنامه‌ها می‌نویسد:

کسی که در این کار معین است مختار است. از او بازپرسی نیست. هرچه بشنود راست یا دروغ خوب یا بد حتی اگر امری قبیح از یکی از بزرگان یا از رئیس دولت ... که بر تمامی مملکت فرمانرواست سر زند بنویسند و احتیاط نکنند. گویند در این کار مصالح بسیار است که مردم را بکار آید. یکی از آن جمله اینست که امور مستحده درست به قید تاریخ به ضبط درآیند و ثبت گردند؛ نه مثل تاریخ سلف که در امور عظیمه ... آنقدر اختلاف کرده‌اند که به تحریر در نیاید، و بعضی از مورخین به سبب خوف پادشاهان عصر و مطابق مذهب خویش هرچه خواسته‌اند نگاشته‌اند. در این جا هیچ یک از اینها از فراموش‌کاری و تسلط پادشاهان و تعصب مذهب راه نیست. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۶۳)

توصیفات شوشتری از وضعیت زندگی اجتماعی کشورهای اروپایی با محوریت فرانسه و انگلیس از دیگر نکات جالب توجه در سفرنامه وی است. از جمله خصوصیات حیات اجتماعی مردم انگلیس که وی گزارش کرده می‌توان به مواردی چند اشاره نمود: مراکز تفریحی لندن که «به جهت طبایع بر شهرها خانه‌های عالی بنا نهادند و به خانه‌های رقص و بیت‌السرور موسوم ساختند»، (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۶۴) مجالس رقص مختلط و تفریحات مردم در باغ‌های خارج از شهر، خوردن غذاهای حاضری و سبک و عدم نوشیدن شراب در طول روز برای پیشبرد بهتر کارها و خوردن غذاهای پختنی در شب، ملاقات با یکدیگر در وقت خوردن غذا، صرف غذا به صورت دسته‌جمعی، برنامه منظم کار روزانه که از دوساعت پس از طلوع خورشید شروع و تا دو ساعت مانده به غروب آن ادامه داشت، عدم سوءظن مردان نسبت به زنانشان در مجالس و رعایت حقوق زنان، شیوه ازدواج مردم انگلیس که مستلزم آشنایی اولیه دوطرف و صحبت‌های مقدماتی و سپس اعلام نظر آنهاست و گرایش به تک‌همسری در برابر تعدد زوجات. مأخذ انگلیسی شوشتری به دلیل خصومت با فرانسویان که ناشی از رقابت‌های استعماری و دشمنی دیرینه با یکدیگر بود، برخی داده‌های نامربوط درباره مناسبات زناشویی در این کشور به شوشتری

ارائه کرده‌اند. از جمله اینکه اگر زنی بچه‌دار نشود مرد دیگری از بیرون با وی آمیزش می‌کند. شیوه غذا خوردن فرنگیان که بر روی میز و با قاشق و چنگال و کارد انجام می‌گرفت نیز مورد توجه شوشتری بوده است. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۶۵ - ۲۶۸)

برابری اشخاص با مذاهب مختلف در برابر قانون، مذموم بودن قتل انسان و تبعید قاتلان به جزایر دورافتاده، ازدواج انگلیسی‌ها با زنان مسلمان و عدم اجبار آنها برای تغییر مذهبشان، دادن ارث به دختران و آزاد گذاشتن فرزندان در زمینه پذیرش مذهب، کوتاهی لباس مردان و بلند بودن لباس زنان، مدارس مختلط و وجود روسپی‌خانه‌هایی که تصویر و شرایط زنان را بر سر در آن می‌آویختند و مردان طالب این کار بدانجا رفت و آمد می‌کردند، از دیگر مظاهر تمدن جدید غرب است (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۹۵ - ۲۹۶ و ۲۷۵) که شوشتری به غیر از ناهنجاری‌های جنسی نظر مساعدی نسبت به سایر تحولات مذکور از خود نشان داده است.

۳ - ۱. دیدگاه‌های شوشتری درباره سلطه استعماری انگلیس بر هندوستان

به دلیل حضور استعماری انگلیسی‌ها در هندوستان و مراوده شوشتری با آنها وی صفحاتی از کتاب خود را به بحث پیرامون استعمار هند اختصاص داده است. شوشتری در سرتاسر کتاب خود نگاهی منفی نسبت به هندوان دارد. وی از برهمنان هند با تعبیری همچون «جماعت کودن صحرائشین و فرومایه» و «قوم بدسگال» نام برده و آنان را «فناکننده دولت‌های عظیم و براندازنده خانمان‌های قدیم» معرفی می‌کند. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۵۰ - ۱۵۱ و ۲۳۳) شوشتری اختلاف هندوها، اشتغال آنها به هوا و هوس و سپردن امور به دست افراد نالایق را از عوامل اصلی چیرگی انگلیسی‌ها بر این کشور دانسته است. وی معتقد است «قاطبه امرای هند و دکن فرومایه و عدیم‌الشعور و از خرد و دانش بسی دورند». (شوشتری، ۱۳۶۳: ۴۵۷)

علی‌رغم سرزنش مردم هند به دلیل بی‌کفایتی آنها، چنین به نظر می‌رسد که شوشتری موافق استعمار این کشور توسط انگلیسی‌ها بوده است؛ به گونه‌ای که مبارزات ضداستعماری تیپوسلطان ۱ (متوفی به سال ۱۲۱۳ ق) علیه استعمارگران را به «عدیم‌الشعوری» وی نسبت می‌دهد. شوشتری علاوه بر بی‌کفایتی و اختلاف فرمانروایان مختلف هند که موجب تسلط بیگانگان بر این کشور در برهه‌های مختلف تاریخی شده، به دقت نظر و راهبردهای مناسب انگلیسی‌ها که زمینه سلطه استعماری آنها بر هند را فراهم آورده، نیز اشاره دارد. شوشتری سپس

به ستایش از شیوه حکومت‌داری انگلیسی‌ها در هند پرداخته و هند تحت سلطه استعمار انگلیس را «بغایت معمور و آباد» توصیف می‌کند. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۴۵ و ۱۴۸ - ۱۴۹)

وی همچنین از اقدامات نوگرایانه انگلیسی‌ها در هند همچون چاپ کتاب و توزیع آن میان مردم، آموزش و پرورش همگانی، جدول‌کشی و آجرکاری خیابان‌های کلکته، دیوارکشی گرد خانه‌ها و نیز نظافت روزانه شهر که توسط عمال کمپانی هند شرقی صورت می‌گرفت، یاد کرده است. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۳۵۴ - ۳۵۵)

بدین‌ترتیب مشخص می‌شود که شوشتری هرچند از سلطه استعماری انگلستان بر هند در مواردی ناراضی‌تری دارد و با الفاظی که در مورد فرمانروایان هندی به کار می‌برد، این ناراضی‌تری را نشان می‌دهد، اما به دلیل رواج برخی دستاوردهای تمدن غرب در این کشور، تا حدودی نظر مساعدی نیز به این رویداد دارد.

۳ - ۲. موضع شوشتری نسبت به جنبه‌های مختلف تمدن غرب

شوشتری با آوردن یک ضرب‌المثل چینی درباره اروپاییان با مضمون: «تمام مردم عالم نابینا و فرنگیان را یک چشم است»، (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۴۷) در مورد فراوانی به ستایش دستاوردهای فرهنگی و تمدنی آنان پرداخته است. وی هنگام برشمردن پیشرفت‌های اروپاییان در زمینه کشتی‌سازی و اکتشافات جغرافیایی می‌گوید: «الحق امر چهاررانی را بر طاق بلند نهاده‌اند. کسی را دسترس نیست همانا این پیشه و معارضه با بحر بیکران بی‌اندیشه از تأثیرات آب و هوای فرنگستان و خاصه آن مردم است». (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۴۱ - ۲۴۲) وی سیستم پستی انگلستان را از «اوضاع ستوده و قوانین پسندیده» آنان دانسته و محسنات این نظام پستی از جمله اینکه «هر روز اخبار مملکت به آنها رسد و از اوضاع رؤسای اطراف مطلع شوند» را عامل عاجز و ناچیز کردن «اکثری از فرماندهان هندوستان» دانسته است. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۶۹ - ۲۷۰)

شوشتری ضمن برشمردن فواید صدور مدارک شناسایی برای مردم انگلیس، این امر را از «اوضاع پسندیده» آنان ذکر می‌کند. شوشتری هنگام ذکر داستان اسارت قیصر روم به دست شاپور ذوالاكتاف و ساختن بند قیصر توسط رومیان روی رودخانه کارون، با شیوه‌ای حسرت‌آمیز می‌گوید: «روزی احوال فرنگ آن بوده است و کنون عظمت و شوکتی که در محروسه هندوستان و خاصه در مملکت بنگاله این رقه را به هم رسیده است» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۴۷ - ۴۸) بنابراین مشخص است که وی کنار دیدگاه تحسین‌آمیزی که نسبت به پیشرفت‌های فرنگیان دارد، حسرت گذشته ایران را نیز می‌خورد. شوشتری هنگامی که به اوضاع سیاسی و اجتماعی فرنگ با محوریت جامعه انگلستان و فرانسه می‌پردازد، دیدگاه‌های خود درباره مزایا و معایب این تحولات

را نیز بیان می‌کند. امری که از نقاط قوت کتاب تحفه به حساب می‌آید. وی به ستایش از دستاوردهای نظام سیاسی انگلستان که مشروطه سلطنتی بوده، می‌پردازد و از جمله مزایای آن را پیشبرد بهتر امور با مشورت نمایندگان ذکر می‌کند. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۷۶ - ۲۷۸ و ۲۸۳) شوشتری به برخی مقررات اجتماعی فرنگیان می‌تازد و آنها را موجب رواج فساد و فحشا در جامعه می‌داند. از جمله به مدارس مختلط و شیوه همسرگزینی فرانسویان سخت می‌تازد. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۹۵ - ۱۹۶)

۴. توصیفات بهبهانی از ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه انگلستان

چنانچه پیشتر ذکر شد بهبهانی بخشی از مطالب کتاب خود را عیناً از تحفه شوشتری وام گرفته است. برای نمونه توصیفات بهبهانی از آداب و رسوم اجتماعی اروپاییان همچون ازدواج، غذاخوردن، تفریحات، اهمیت دادن سلاطین اروپایی به صاحبان مشاغل، بیمه، سرمایه‌گذاری مشترک، بخت‌آزمایی، طریقه اخذ گمرک و چاپ کتب جدید با توصیفات شوشتری مشترک است. با این حال و علی‌رغم این اشتراکات، گزارش‌های بهبهانی در برخی موارد مزیت‌هایی افزون بر توصیفات شوشتری دارد. برای نمونه درباره مزیت چاپ کتب جدید توسط اروپاییان می‌گوید: «و حق آنست که به این عمل بیشتر امور را بر خود و دیگران آسان کرده‌اند و به علاوه در سال مبلغ کلی عاید ایشان می‌شود». (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۰۷ - ۵۱۳) یا زمانی که به اقدامات عمرانی شهری در لندن از جمله ایجاد مسیرهای مناسب عبور و مرور شهری، نظافت شهر، سنگ‌فرش خیابان‌ها، خیابان‌بندی و چراغ‌کشی خیابان‌ها اشاره می‌کند، منبع تأمین هزینه این اقدامات عمرانی و خدماتی را مالیات‌هایی ذکر می‌کند که از مردم می‌گرفتند. وی نه‌تنها شناخت عمیق‌تری نسبت به مظاهر تمدن جدید غرب دارد، بلکه راهکارهایی برای رشد و پیشرفت ایران عصر قاجار نیز پیشنهاد می‌دهد. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۵۳ - ۲۵۵)

به دلیل حضور استعمارگران انگلیسی در هند، بهبهانی نیز مانند همتای خود بیشتر مطالب مرآت را به شرح احوال آنها اختصاص داده است. وی به کاهش و مشروط کردن قدرت پادشاه در انگلستان اشاره نموده و تدبیر امور سلطنت را به همکاری پادشاه و وزرا و نمایندگان مجلس می‌داند. وی در ادامه از بودجه‌بندی مناسب و با برنامه انگلیسی‌ها صحبت کرده است. مطابق با این برنامه مبلغ معینی برای مصارف روزانه پادشاه اختصاص داده می‌شد. همچنین سهم وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی و سایر مصارف جاری حکومت معین می‌شد و مبالغ مازاد بر نیاز سالانه را به‌عنوان پشتوانه حکومت در خزانه ذخیره می‌کردند. عدالت اجتماعی در انگلیس و برابری رعیت

با پادشاه و شیوه مناسب در تعیین جانشین در انگلیس که با انتخاب فرزند بزرگ از فتنه و فساد میان شاهزادگان جلوگیری می‌شد، از دیگر محاسن ساختار سیاسی انگلستان است که مورد توجه بهبهانی قرار گرفته است. بهبهانی به وزرای نه‌گانه انگلیس اشاره می‌کند که هر یک وظایف و اختیارات معینی داشتند؛ این وزرا برای حل و فصل امور به حضور پادشاه می‌رسند و گزارش عملکرد خود را به پادشاه ارائه می‌دهند. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۵۶ - ۲۵۸) وی مجلسی مشورتی را که اعضای آن باهوش و باعقل و وظیفه‌شناس هستند از ویژگی‌های نظام سیاسی انگلستان می‌داند و می‌گوید هر چیزی که قرار باشد اجرایی شود باید در مجلس و توسط اعضای آن تصویب شود. سپس به چگونگی انتخاب نمایندگان مجلس اشاره کرده و می‌گوید این وکلا به مدت هفت سال توسط مردم انتخاب می‌شوند و کار خود را بر اساس آیین‌نامه و قانون انجام می‌دهند. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۵۸ - ۴۵۹) بهبهانی عقل و درایت انگلیسی‌ها را ستایش می‌کند و در این باره می‌گوید:

این جماعت .. در حزم و تدبیر قلیل‌النظیر بلکه بی‌مثل و ماندند، و هیچ قومی از مسلم و کافر را با ایشان لیاقت همسری نیست و از این جهت است که دولت ایشان روزافزون است و به سهل و آسانی مملکت وسیع‌البنیان هندوستان را به تصرف خود درآورده‌اند و در رفتار و کردار به وضعی می‌مانند که صاحبان ریاست مدن و اصحاب عقول را مجال نکته گرفتن و دم زدن نیست. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۳۳)

بهبهانی بخش‌هایی از کتاب خود را به توصیف مختصر دیگر کشورهای اروپایی اختصاص داده است. وی به سیر تغییر دین اروپاییان از شرک به مسیحیت یاد می‌کند؛ سپس به تشکیل دولت‌های مستقل ملی و شکل‌گیری مناسبات جدید میان این دولت‌ها اشاره کرده و در این باره می‌گوید که برخلاف پیمان‌هایی که بین این دولت‌ها منعقد شده درگیری‌های زیادی میان آنها رخ داده است. بهبهانی به انواع نظام‌های حکومتی اروپا که «در بعضی پادشاه مستقل و نافذ فرمان و احکام است، و در بعضی امیران ملک مستقل‌اند، و در بعضی رعایا و در بعضی هر سه» اشاره می‌کند. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۹۸ - ۴۰۰)

بهبهانی همچنین اشارات مختصری به دیگر سلاطین اروپایی از جمله پادشاه آلمان و اسپانیا می‌کند. وی نگاهی منفی نسبت به فرانسویان دارد و آنها را علی‌رغم شهره بودن به شجاعت و دلاوری به «خلف وعده و فساد در رفتار و کردار» متهم می‌کند. وی درباره آنها خطاب به قاجارها می‌گوید: «طریقه احتیاط این است که از این قوم احدی را در پایه سلطنت راه ندهند؛ زیرا آنها

ابتدا با نرم‌زبانی و چاپلوسی وارد می‌شوند و آخرالامر آن ملک را مسخر می‌کنند». (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۰۵) بهبهانی به مستعمرات گسترده اسپانیایی‌ها در قاره آمریکا نیز گریزی می‌زند. ماجرای ظهور ناپلئون بناپارت و جهانگیری‌های وی و درگیری او با انگلیس بر سر نفوذ در مستعمرات از دیگر موضوعاتی است که بهبهانی به آنها پرداخته است. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۰۲ - ۴۰۴) پیشتازی استعماری پرتغالی‌ها و زبونی بعدی آنها و شکست از انگلیس در جریان رقابت‌های استعماری، چگونگی انتخاب پادشاه هلند که از میان یکی از پسران پادشاهان فرنگ انتخاب می‌شد، (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۰۶ - ۴۰۷) پیشرفت روس‌ها تحت امر پتر کبیر و نیز توصیفات وی درباره پاپ‌ها و سیر قدرت آنها در اروپا از دیگر مسائلی است که مانند شوشتری اشارات یکسانی به آنها داشته است. بهبهانی به اکتشافات جغرافیایی فرنگیان که موجب تسلط آنها بر قاره آمریکا و سایر مناطق جهان شده اشاره می‌کند و در این باره می‌گوید: «گوی معرفت و تحقیق را سلاطین باشوکت آن جماعت به چوگان جرأت و خرج زر از عالمیان ربودند، و مالک چنان مملکتی عظیم شدند». (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۲۸ - ۴۲۷)

بهبهانی حمایت سلاطین اروپایی از مکتشفان را مهم‌ترین عامل تسلط آنها بر بخش عظیمی از قاره آمریکا ذکر می‌کند. وی حمایت ایزابلا، ۱ (متوفی به سال ۱۵۰۴ م) ملکه اسپانیا و شوهرش، فردیناند ۲ (متوفی به سال ۱۵۱۶ م) از کریستف کلمب ۳ (متوفی به سال ۱۵۰۶ م) را برای تأیید گفته‌های خویش می‌آورد. سپس به نحوه آباد کردن مستعمرات توسط اروپاییان و فرستادن افراد اهل فن به این سرزمین‌ها اشاره می‌کند. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۳۱ - ۴۳۲) علاوه بر این اطلاعات خوبی درباره فنون نظامی اروپاییان از جمله نحوه توپ انداختن، تربیت سربازان، نظم و انضباطی که سربازان در نبرد مجبور به رعایت آن می‌شوند، پرداخت منظم حقوق سربازان و دادن سهمی از غنائم جنگی به آنها، در اختیار خوانندگان خود می‌گذارد. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۹۴ - ۴۹۹)

۴ - ۱. دیدگاه‌های بهبهانی درباره سلطه استعماری انگلیس بر هندوستان

اگرچه حائری معتقد است که بهبهانی نیز مانند شوشتری پیرامون استعمار انگلیس در هند و

Isabella^۱

Ferdinand^۲

. Christophe Colomb^۳

پیوند استعمار با دانش و کارشناسی غرب آگاهی به دست نداده و استعمار انگلیس در هند را تأیید کرده، (حائری، ۱۳۷۲: ۴۳۶) اما هشدارهای بهیمنی در این باره حاکی از آگاهی وی از مسئله استعمار بوده است. بهیمنی ضمن انتقاد از نفاق داخلی هندوها، اطاعت‌پذیری آنها را مهم‌ترین عامل سلطه اقوام گوناگون بر این سرزمین دانسته است. او نیز هندیان را مردمی می‌داند که «از شعور و ادراک خالی‌اند». (بهیمنی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۸۶ و ج ۲: ۴۹۴ - ۴۹۵) بهیمنی نگاهی منفی نسبت به سلطه استعماری انگلیس بر هند دارد. پیرو همین نگرش، سربازان بومی هندی را که در خدمت انگلیس هستند، «اراذل و اوباش این مملکت» می‌نامد و به عدم اختیار و آزادی هندوان برابر سیاست‌های استعماری انگلیسی‌ها اشاره کرده و می‌گوید: «پس در این صورت باید دید که احوال اهالی مملکت چگونه خواهد بود» و با ذکر آیه قرآنی فاعتبرو یا اولی‌البصائر در موارد مکرر و به هنگام صحبت کردن از استعمار هند به صورت غیرمستقیم نتایج شوم استعمار هند توسط انگلیس را به خوانندگان بصیر خود گوشزد کرده و آنها را به عبرت گرفتن از این تجربه تلخ دعوت می‌نماید. وی برخلاف شوشتری سلطه انگلیسی‌ها بر هند را موجب «زوال سلطنت و ریاست و حصول بدنامی و ذلت ... و قطع سبیل امر به معروف و نهی از منکر و خرابی دین مبین» دانسته (بهیمنی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۹۱ و ۲۰۰) و از ظلم و ستمی که انگلیسی‌ها «در پرده» بر این قوم روا می‌دارند، یاد می‌کند. (بهیمنی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۰۱)

با این حال دلیل پیشرفت انگلیسی‌ها در هند را رعایت ظاهری عدالت می‌داند. بهیمنی با بیان زرخیز بودن سرزمین هند که سالانه شانزده هزار روپیه نصیب استعمارگران انگلیسی می‌کند، به مبالغه‌هنگفتی که انگلیسی‌ها با استعمار هند از این سرزمین خارج می‌کنند، اشاره نموده است. (بهیمنی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۸۲ - ۱۸۶) علی‌رغم این انتقادات وی نیز نتوانسته از اقدامات عمرانی انگلیسی‌ها در هند چشم‌پوشی نماید. فعالیت‌هایی همچون عمومی کردن پست، ساخت توالت فرنگی که سبب کاهش عفونت‌ها شده بود، (بهیمنی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۰۸، ۲۱۷ - ۲۱۸ و ۲۲۷) ایجاد مناره‌هایی در کنار دریا برای هدایت ملوانان در شب، تأسیس مدارس جدید در هند که علوم گوناگون در آن تدریس می‌شد و هزینه‌های آن توسط کمپانی تأمین می‌شد، نظام قضایی مناسب که مبتنی بر بازدارندگی بود، عدم نزول سربازان در خانه‌های مردم، اخذ عادلانه مالیات، (بهیمنی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۸۳ - ۴۸۴، ۵۰۱ - ۵۰۲ و ۵۱۵) تبدیل کردن کلکته از یک شهر کثیف به شهری با خانه‌ها و عمارت‌های زیبا و جدول‌کشی خیابان‌های آن، انتقال روزانه زباله‌های

۱. بخش آخر آیه دوم سوره مبارکه حشر. معنی آن چنین است: «پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید». (حشر: ۲)

شهری به مکانی خارج از شهر و علامت‌گذاری و آدرس‌گذاری کوچه‌ها و خانه‌ها و خیابان‌ها را از مزایای استعمار انگلیس در هند ذکر می‌کند. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۵۶ - ۲۵۷) با این حال به نظر می‌رسد بهبهانی با بیان درآمد هنگفتی که انگلیسی‌ها سالیانه از طریق استعمار هند به دست می‌آورند گویا می‌خواهد به صورت غیر مستقیم به ناچیز جلوه دادن این اقدامات عمرانی در برابر خروج ثروت عظیم از هند اشاره کند. همچنین وی با اذعان به عدم وجود آزادی‌های سیاسی در هند به نوعی درصد است تا به خواننده بفهماند که این اقدامات عمرانی انگلیسی‌ها در برابر سرکوب سیاسی هندوها ارزش چندانی ندارد.

۴ - ۲. واکنش بهبهانی به دستاوردهای تمدن غرب

بهبهانی نیز به مانند شوشتری دستاوردهای اروپاییان در زمینه‌های علمی و فنی را ستایش می‌کند. وی هنگام بیان اقدامات انگلیسی‌ها در امور پستی و درآمدی که از این طریق نصیب آنها می‌شود، ضمن ستایش آنها می‌گوید: «حضرت باری تعالی توفیق تتبع روزی دیگران کند». (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۰۰) همچنین به مخاطبینش یادآوری می‌کند: «متوقع از اصحاب عقل و بینش و ارباب کیاست و دانش سیما سلاطین نامدار و شاهزادگان والاتبار و حکام ذوی الاقتدار آن که به نظر تعمق و اعتبار در این اوراق ملاحظه فرموده بازی و افسانه طرازی‌ش نگمارند. «اللهم انی انذرت و نصحت و اشهدک و کفی بک شهیداً» (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۰۹)

وی هدف از نگارش کتاب خود را «بجهت عبرت و تنبیه مطالعه‌کنندگان» دانسته و به مخاطبینش توصیه می‌کند که جنبه‌های مثبت تمدن غرب را بپذیرند و از سنت‌های نادرست آنان دوری گزینند. به علاوه در موارد مکرری بعد از بیان پیشرفت‌های اروپاییان یا نتایج استعمار انگلیس در سرزمین هند، از ذکر جمله «فاعتبرو یا اولی‌البصار» خودداری نمی‌کند. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۹۱)

بهبهانی در زمینه سیاسی به مقتضای فضای حاکم بر جامعه ایران عهد قاجار دارای بینش سیاسی بسته‌ای است. وی برابری مردم انگلیس از پادشاه گرفته تا مردم عادی برابر قانون را این چنین تعبیر می‌کند: «اعظم و اشراف و بزرگان را دلیل و خوار و ارادل و اوباش را جری نموده‌اند». (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۵۹ - ۴۶۰) امری که مخالف توصیه‌های دیگر وی درباره رعایت عدالت است. به نظر می‌رسد عدالت مورد نظر وی همچنان استبداد طبقه حاکمه را در بر نمی‌گیرد. یکی از مهم‌ترین نقاط قوت سفرنامه بهبهانی دیدگاه ضد استعماری وی است که همان‌گونه که در بالا بدان اشاره شد، مخالفت خود با استعمار انگلیس بر هند را به شیوه عالمانه و با بیان زبان‌های آن ابراز می‌دارد. به گونه‌ای که بر سه نکته بسیار مهم در رابطه با زبان‌های

حضور استعماری انگلیس در هند انگشت می‌گذارد. نخست: غارت سرمایه‌های اقتصادی این سرزمین، دوم: سرکوب آزادی‌های سیاسی و مدنی و سوم: زیان‌های فرهنگی ناشی از رواج فرهنگ غربی در هند. وی نگاه منفی نسبت به فرانسویان دارد و فعالیت‌های آنها را با پدیده استعمار پیوند داده و در این باره خطاب به مخاطب خاص خود، محمدعلی میرزا دولت‌شاه و قاجارها می‌گوید: «طریقه احتیاط این است که از این قوم احدی را در پایه سلطنت راه ندهند؛ زیرا آنها ابتدا با نرم‌زبانی و چاپلوسی وارد می‌شوند و آخر الامر آن ملک را مسخر می‌کنند.» (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۰۵)

ویژگی بسیار مهمی که کتاب مرآت دارد، این است که بهبهانی فصل آخرش را مخصوص توصیه‌ها قرار داده است. همچنین لابلای مطالب فصول دیگر نیز از توصیه به مخاطبین خود علی‌الخصوص محمدعلی میرزا دولت‌شاه خودداری نمی‌کند. وی در توصیه‌ای خطاب به شاهزاده قاجار، سلطنت را مسئولیتی خطیر می‌داند که صلاح مملکت و رعایت حال رعایا بر گردن سلطان است. بهبهانی برخلاف دیدگاه‌های متفاوت خود درباره عدالت، سفارش‌های زیادی در این باره به دولت‌شاه می‌کند. از جمله:

صفت عدالت میرآبی است که پیوسته به تنقیح آن چشمه‌سار می‌پردازد و از خس و خاشاک مکاره عالم، و از گل و لای ظلم و ستم پاک می‌سازد ... و چون میراب عدل دست از تنقیه برداشت و سیلاب ستم تمامی را به گل و لای خانه خراب رعیت انباشت، بالضروره آن آب قطع و آن گلشن خراب می‌گردد». (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۱۶ و ۵۲۰)

وی به شدت به ظلم می‌تازد و می‌گوید: «ملوک و سلاطین را هیچ دشمنی و بدخواهی و تن مملکت را هیچ مرض جانکاهی چون صفت خبیثه ظلم نیست». (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۲۲) پافشاری بر عدالت در کتاب بهبهانی اهمیت ویژه‌ای دارد و در جاهای مختلف بدان اشاره می‌کند؛ از جمله زمانی که در مسیر حرکت خویش به سمت هند به توصیف شهر مسقط می‌پردازد، می‌گوید که علی‌رغم خارجی مذهب بودن حاکمان این شهر به دلیل رعایت عدالت توسط آنها مملکت آنها آباد است. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۷۶) وی نصایحی به سلاطین و حکام می‌کند که از جمله آنها می‌توان به: توکل به خدا و اجرای احکام شریعت، آگاهی از اوضاع کشور، شنیدن سخن مظلومان، رعایت عدالت، تعقل در امور حکومت، اخذ عادلانه مالیات از رعیت و غیره اشاره کرد. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۲۳ - ۵۲۶، ۵۲۸ و ۵۳۱) بهبهانی سپس برای رعایا نیز وظایفی از جمله اطاعت از سلطان، دعای خیر برای او، دعا برای اصلاح حاکم ظالم و دادن به‌موقع مالیات

ذکر می‌کند. همچنین وظایف وزرا و سایر زبردستان دولت را رتق و فتق امور، برآوردن نیازها و خواسته‌های ارباب رجوع، نفروختن دین و ولی نعمت خود به مقاصد شخصی و اتحاد بیان می‌کند. (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۴۸) وظایف دیگری که وی برعهده اولیای دولت می‌گذارد عبارتند از: بنیان گذاشتن مدارس و مساجد و کاروانسراها و قنوت، وقف اراضی برای مصارف علما و فقرا و سادات، تعمیر مزار ائمه و تأمین وسایل رفاه زوار آنان. توصیه دیگر بهبهانی در باب گماشتن قضات درست‌کار و آراسته به زیور علم و تقواست. وی در این باره می‌گوید: «این در یتیم را به هر نجس و لثیمی نسپارند و در این باب قابلیت و لیاقت شخصی را از اهم شرایط دانند». (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۴۹ - ۵۵۱)

وی همچنین مخالف سپردن مسؤلیت‌های حکومتی به افراد بر اساس ارث و رابطه است. در مجموع بهبهانی با گفتن این جمله که «اگر در خانه کسی است آنچه نوشته شد بس است»، (بهبهانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۱۵) مخاطبان خود و علی‌الخصوص قاجارها را به شیوه غیرمستقیم به تفکر و تتبع دعوت می‌کند؛ اما در زمینه ایجاد مؤسسات تمدنی جدید و اصلاحات سیاسی توصیه‌ای نمی‌کند. به عبارتی بیشتر رهنمودهای وی از سنخ توصیه‌هایی است که در سایر آداب-الملوک‌های گذشته نیز بدان‌ها اشاره شده است. درواقع بخش توصیه‌های وی در اصل یک رساله سیاسی مستقل به سبک سیاست‌نامه‌های دوره اسلامی است که اندکی با ملاحظه‌های جدید نوشته شده است. (جعفریان، ۱۳۷۳: ۴۹).

نتیجه

بخش عظیمی از مطالب دو سفرنامه تحفه و مرآت مربوط به تحولات علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای اروپایی است که بخش زیادی از این تحولات توسط انگلیسی‌ها در کشور هند پیاده شده بود. از آنجایی که این دو عالم روحانی در هند و از طریق مراوده با انگلیسی‌ها با تمدن جدید غرب آشنا شدند، بیشترین اخبار را از جامعه انگلیس روایت کرده‌اند. مسائلی همچون پیشرفت‌های علمی و فنی، اکتشافات جغرافیایی، استعمار، اصلاح نظام قضایی و سیاسی و آداب و معاشرت‌های اجتماعی بیشترین بازتاب را در این سفرنامه‌ها داشته است. این سیاحان علاوه بر اینکه تحولات جوامع اروپایی را در آثار خویش ثبت کرده‌اند، در موارد فراوان دیدگاه‌های خویش درباره تمدن جدید غرب را بیان کرده‌اند. آنان بیشتر دیدگاه ستایش‌آمیزی درباره دستاوردهای مثبت جوامع اروپایی دارند. با این حال برخی جنبه‌های منفی این تمدن نوظهور همچون مناسبات خانوادگی و جنسی را زشت شمرده‌اند. از آنجا که در مدت اقامت این عالمان در هند، این سرزمین تحت سلطه استعماری انگلستان بود، مسئله استعمار بازتاب بسیار مهمی در نوشته‌های آنان داشته است. شوشتری چه در زمینه پیروی از دستاوردهای مثبت تمدن غرب و چه در زمینه هشدار به خوانندگان خود درباره خطر استعمار، هیچ توصیه‌ای به خوانندگان خود نمی‌کند. در صورتی که به نحوی شگفت‌انگیز، بهبهانی در هر دو مورد خوانندگان خود را به اخذ جنبه‌های مثبت تمدن غرب و دوری از مظاهر منفی آن دعوت می‌کند.

منابع و مأخذ:

- بهبهانی، آقا احمد بن محمدعلی (۱۳۷۲). مرآت الاحوال جهان نما، با مقدمه و تصحیح و حواشی علی دوانی، تهران: مرکز فرهنگی قبله.
- حائری، عبدالحسین (۱۳۷۲). نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: امیرکبیر.
- شوشتری، میرعبداللطیف (۱۳۶۳). تحفه العالم و ذیل تحفه، به اهتمام صمد موحد، تهران: کتابخانه طهوری.
- کسروی، احمد (۲۵۳۶). کاروند کسری (مجموعه ۷۸ رساله و گفتار از احمد کسروی: مقاله «هم دزد و هم دغلباف»)، به کوشش یحیی ذکاء، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- میرزا ابوطالب خان (۱۳۷۳). مسیر طالبی (۱۲۱۳ - ۱۲۱۸ ه. ق)، به کوشش حسین خدیوچم، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۳). «درباره مرآت الاحوال»، آینه پژوهش، شماره ۲۶، ص ۳۶ - ۴۹.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۸ ق). المحصول فی علم الحصول، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الرساله.
- سالور، سیما (۱۳۹۳). «نقش اندیشه‌گران ایرانی هند در سیر اندیشه تجدد در ایران روزگار قاجار»، شبه‌قاره (ویژه نامه فرهنگستان)، شماره ۳، ص ۱۶۷ - ۱۸۰.
- سپهری، امید (۱۳۸۷). «رویکردی تطبیقی - تقابلی به دو سفرنامه مرآت الاحوال کرمانشاهی و تحفه العالم شوشتری»، آینه میراث، شماره ۴۰، ص ۳۲۰ - ۳۴۳.
- صوفی نیارکی نجفی، تقی (۱۳۸۳). «گزارش فرنگ / نگاهی به اولین سفرنامه‌های نگاشته شده در ایران»، زمانه، سال ۳، شماره ۳۴، ص ۶۵ - ۷۲.
- مرادی، مسعود (۱۳۸۹). «تعاملات میرعبداللطیف شوشتری با حکومت انگلیسی هندوستان (بحثی در نخستین رویارویی‌های ایرانیان با غرب استعمارگر)»، پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، سال دوم، شماره اول (پیاپی پنجم)، ص ۱۰۷ - ۱۲۴.
- _____ (۱۳۸۸). «تعامل ایرانیان و انگلیسیان در هند پس از فروپاشی صفویان»، تاریخ ایران، شماره ۶۱/۵، ص ۱۰۱ - ۱۲۲.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

